

خاور شناسان

-۴-

کنز یاس : این مورخ شهیر که معاصر گزنفن بوده چون مدت ۱۷ سال بعنوان پزشک در بارشاهنشاهی ایرن (از ۱۵ تا ۳۹۸ پیش از میلاد) در ایران مقیم بوده و بقول خود بکتابخانه سلطنتی و اسناد و دفاتر دولتی که آنهارا «بازلیکای دیفترای» مینامد دسترسی داشته و زبان فارسی باستانی را میدانسته و باحوال خاور و خاوریان اشنائی نزدیکی داشته و ظناً محقق و نویسنده بوده (هرچند حرفه رسمی او پزشکی بوده) تالیفات متعددی در تاریخ خاور برشته تحریر در آورده که تنها هفده جلدان راجع بتاریخ ایران و شش جلد راجع بتاریخ اسور و مدویک جلد راجع به هند بوده و بطو کلی از دریاها و کوهها و رودخانه ها و سایر مسائل جغرافیائی مربوط بتخاور بحث مفصلی کرده و از این لحاظ اطلاعات جغرافیائی او از هرودت بیشتر بوده است. متأسفانه بخش عمده تالیفات وی بخصوص آنچه راجع بتاریخ ایران و هند بوده از میان رفته و بمانرسیده ولی سایر مورخین از قبیل پلوتارک و سترابون و تانه و ژوستن از تالیفات او استفاده نموده و بخشهایی از آنهارا در نوشته های خود منعکس ساخته اند.

از هفده جلدی که راجع بتاریخ ایران نوشته شش جلدان راجع بتاریخ ایران از زمان کورش بزرگ تا خسار یار شایار بوده و ده جلد دیگر از زمان خشایار تا روزی است که ایران را ترک گفته یعنی تا ۳۹۸ پیش از میلاد بوده است. باید یاد آور شد که نوشته های کنز یاس از اجزاء صحت مندرجات ارزش نوشته های هرودت را ندارد زیرا وی اصراری داشته که در فن تاریخ نویسی با هرودت رقابت کند و در راه نیل بدین ارزو با ازجاده احتیاط بیرون نهاده و بشرح داستانهای افسانه آمیز و جعل اطلاعات موهوم پرداخته و از مشاهدات خود در هند چیزهایی نوشته که بیشتر جنبه خرافات داشته است، از همین جهت نوشته های وی مورد انتقاد دانشمندانمانند ارسطو و استرابون و لوسین قرار گرفته و او را گزافه گو شناختند. مهربان نوشته های وی در خاورشناسی خالی از فایده نبوده است.

سترابون : یکی دیگر از مشاهیر خساورشناسان عهد باستان که بویژه در جغرافیا تحقیقات و مطالعات فراوانی داشته و در این فن آثار بسیار نفیس و سودمندی از خود باقی گذارده استرابون بوده است.

سترابون از اهالی «پونت» بوده و در شهر «آماسه» بدنیا آمده و در ۶۴ پیش از میلاد تا ۱۹ پس از میلاد میزیسته و بیشتر عمر خود را بسیاحت و تحقیق و تتبع گذرانیده است.

سترابون از ساردین تار منستان (از خاور تا باختر) و از پونت تا حبشه (از شمال تا جنوب) در راه کسب علم و اطلاع بسیاحت و مطالعه پرداخت و نتیجه مطالعات فراوان خود را در ۴۳ جلد برشته تحریر در آورد و بدین وسیله دنباله کار پلیوس را گرفته و تا چنگ اکتیوم رسانیده و نه تنها در جغرافیا آثار نفیسی از خود باقی گذارده بلکه در مسائل تاریخی نیز مطالعات و آثاری داشته

است. ۱۷ مجلدی که در رشته جغرافیا نوشته تقریباً سالم بدست ما رسیده که از آن جمله شش جلد راجع باسیا و یک جلد راجع به مصر و لیبی و هفت جلد راجع با اروپا است و این مجلدات محتوی مطالب سودمندی است در باره وقایع مهم سیاسی و شهرهای عمده و رجال معروف آن زمان. در نظر او باختر از کشور ایبری (اسپانیای کنونی) آغاز شده و در خاور به هند پایان مییابد و چینیه را از مردم هند میداند و در این مجلدات متعدد خود از آسیای صغیر گرفته تا فنیقیه و عربستان و بین النهرین و بابل و ایران و هندسرخ بمیان آورده است و از قرائن معلوم میشود که در تنظیم تالیفات فراوان خود طرحی در نظر داشته که متأسفانه با انجام نرسیده و ناتمام مانده است.

از ۴۳ کتابی که در تاریخ نوشته متأسفانه تمام آنها از میان رفته و چیزی بدست ما نرسیده. البته اطلاعات جغرافیائی استرابون با اقتضای محدودیت معلومات آن زمان خالی از اشتباهاتی نیست، تا جاییکه طول دنیارا از خاور تا باختر ۷۰ هزار استادیاب ۱۳۹۹۶ کیلومتر و عرض دنیارا ۳۰ هزار استادیاب ۶۰۰۰۰ کیلومتر میدانسته، ولی ما نباید از این اشتباه او تعجب کنیم.

اثر جنگهای صلیبی در خاورشناسی :

تعداد خاورشناسان از عهد باستان تا زمان ما بقدری بسیار است که اگر ما بخواهیم تنها بشرح مشاهیر آنان پسنده کنیم در یک مجله ننگهد، پس بعنوان نمونه بشرح مختصری از حالات چهارتن از آنان در فصلهای بالا پرداختیم.

بایش آمدن جنگلهای صلیبی و تماس نزدیکتر باختریان با خاوریان خاورشناسی رنگ نوینی بخود گرفت و اثرات بسیار مهمی در پیشرفت تمدن بشری از خود باقی گزارد تا جایی که میتوان گفت این همه ترقیاتی که بهره بشر شده و این همه اکتشاف و اختراعات که در جهان متمدن بعمل آمده و میآید از نتایج و برکات تماس نزدیک خاوریان با باختریان در جنگهای صلیبی است. جنگهای صلیبی در نتیجه تعصبات مذهبی بمنظور زهاتی بیت المقدس از دست مسلمین در اواسط قرن یازدهم میلادی آغاز شد و تا اواسط قرن سیزدهم ادامه داشت. در این روزگار بود که باختریان در تاریکی جهل و نادانی فرو رفته و بهره وافی از علوم و فنون نداشتند. همین دوره است که خود اروپائیان آنرا قرون وسطی مینامند و از ادوار مظلم باختریان بشمار است.

همین تعصب مذهبی بود که جنگلهای صلیبی را پدیدار ساخت و هر چند باختریان بمنظور خود کامیاب نشدند یعنی نتوانستند بیت المقدس را بشصرف خود در آورند ولی یک نتیجه مهمتر و سودمندتر و عالیتری را بدست آوردند و آن اشناشدن با فرهنگ درخشان خاوریان بود.

اروپائیان با این تماس خصمانه با تمدن و فرهنگ خاوریان اشنا شدند و آنرا اقتباس کردند و پایه فرهنگ نوین خود قرار دادند و آنرا در طی چند قرن آنقدر توسعه و ترقی دادند تا بسوسعت تمدن امروز آنان رسیده است. پس در حقیقت خاورشناسی است که پایه تمدن نوین را استوار ساخت و باختریان را باین مدارج ترقی و تعالی رسانید

مار کوپولو : یکی از خاورشناسان نامی قرون وسطی مار کوپولو است که سیاحتنامه او تاثير بسیار مهمی در سرنوشت بشر داشته است. مار کوپولو از مردم ونیس بوده (۱۲۵۰ - ۱۳۲۴) و در جوانی با اتفاق بدروغوی خود بسوی چین رهسپار شد و چندین سال در دربار

فمنور بسر چین بود.

و سفری نیز بایران آمد یعنی عضو رسمی هیئتی بوده که از چین بایران آمده بود در اواخر قرن سیزدهم که بوطن خود برگشت سیاحتنامه نگاشت که هر چند خالی از مبالغه و افسانه نیست ولی همین سیاحتنامه چنان شهرتی یافت و چنان مورد توجه همگانی قرار گرفت که محرک حقیقی کلمبوس در جهانگردی و کشف امریکا و همچنین محرک گامادر مسافرت از پرتقال بسوی هند و کشف دماغه امیدواری و جلب توجه اروپائیان بسوی خاور و مشوق واقعی پرتقال و اسپانیا و هلند و فرانسه و انگلیس باستعمار طلبی و اسارت چند قرن آسیا همین سیاحتنامه مار کوپولو است. این سیاحتنامه تا کنون ۶۰ مرتبه بزبان های مختلف ترجمه شده است و در دسترس همه فرار دارد

واسکوداگاما:

گاما دریانورد نامی پرتغالی است که در سال ۱۴۹۷ بقصد کشفیات علمی و یافتن راه دریائی هند خاوری برای نخستین بار از اروپا از راه دماغه امیدوارم عازم خاور شد. و يك سال بعد وارد کالیکت گشت و در عرض راه موزاییک را کشف نمود. در دومین سفر دریائی که بسوی هند خاوری شتافت بالغ بر بیست فرزند کشتی همراه داشت و در بازگشت آنها را از کالاهای خاوری پر نمود. پرتقال در نتیجه کشف راه دریائی هند بسیار ثروتمند و مقتدر شد و تحول عظیمی در سر نوشت آن حاصل آمد. هر چند گامادر نتیجه سعایت دشمنان مغضوب پسادشاه پرتقال قرار گرفت و بیست سال خانه نشین شد ولی آخر الامر بیست نیابت سلطنت هند برگزیده شد و هاقبت در هند جان سپرد.

گاما آثار مهمی از کشفیات علمی خود بیادگار نگذارد ولی همین کشف بسیار مهم دریائی او تاثیر بسازنی در خاور شناسی بخشید و پای اروپائیان را در آسیا باز کرد و موجب مزید آشنائی و معارفه بین خاور و باختر گشت هر چند که این آکتشاف عاقبت شومی در پی داشت، یعنی مسئولیت عبودیت و اسارت دوسه قرن اخیر کشورهای آسیائی و چونون توسعه طلبی و منعت جوئی کشورهای طماع اروپائی مانند انگلستان و فرانسه و هلند و پرتقال بر عهده همین آکتشاف مهم دریائی گاما بوده است.

بس از این آکتشاف ترقی سریعی در خاور شناسی حاصل آمد تا اینکه عاقبت منجر باعزام هیئت علمی از طرف ناپلئین بمصر گشت و این هیئت علمی توفیق کشفیات بسیار مهمی در تاریخ خاور و خاور شناسی بدست آورد که در مقاله جداگانه نگاشته خواهد شد.

م موقر

بقیه از صفحه ۶۸۷

که بامبارزه علیه فقر و فاقه در سرتاسر جهان و با بذل مجاهدت در ترقی سطح زندگی عموم ملتها میتوان اصول سرمایه داری را با عقیده آنها سعادت نوع بشر را تامین نمود، و اماره پیر مرام اشتراکی کوشش دارد با کشتن بذر فقر و فاقه و تولید غلات و تشدید تمدنی سطح زندگی همگانی و تحریک عواطف و احساسات عمومی و ایجاد نفاق و شقاق و تضعیف ایمان بخدا و بوطن و تولید هرج و مرج، مرام خود را در سرتاسر جهان تعمیم دهد. در شمارهای آینده از چگونگی هر يك از این دوروش متضاد و عواقبی که در پی دارند گفتگو میکنیم.

مجید موقر